

امیر خسرو و دهلوی

-۱-

مسلمانان اندکی پس از تسخیر هرات در سال ۴۴ ه. بطرف کابل پیش راندند و بشهر مولتان رسیدند، ولی تسخیر این ناحیه هیچگاه صورت تصرف دائمی پیدا نکرد، و بعکس سفری که بطرف جنوب کردند نتایج بیشتر داد، چه در قرن اول هجری دریانوردان مسلمان از سمت دریا مکرر تا دهانه شط سند پیش رفتند. در سال ۹۲ ه. محمد بن قاسم نواده حجاج بن یوسف، ولایت سند را از طرف ساحل تا حوالی مولتان مسخر کرد. اما در صدد توسعه پیشرفت خود بر نیامد، و این ولایت را حکام عرب تا قریب دو قرن تحت حکومت خود داشتند^۱.

سبکتکین بنیادگذار سلسله غزنویان پس از فتح شهرهای بست و کابل، بفتح قسمتی از هندوستان اقدام کرد و به پنجاب تاخت و جیپال را که فرمانروای بخش شمالی هند بود مغلوب ساخت. محمود پسر سبکتکین (۳۸۸ - ۴۲۱ ه.) چون بساطت رسید فتوحات پدر را ادامه داد و تا کالنجر در بندلکهند شرقی و از جنوب تا سومنات پیش راند، ولی از آنهمه نواحی مسخر، فقط ایالت لاهور در دست لشکریان محمود ماند. جانشینان مسعود غزنوی که بر اثر هجوم ترکان سلجوقی از ایران رانده شده بودند بلاهور پناه بردند و مقر اصلی خود را در این ناحیه قرار دادند.

پس از غزنویان، معزالدین غوری سلطان غزنه (۵۶۹ - ۶۰۲ ه.) در طی یک رشته لشکرکشی به هندوستان، سند و مولتان را بسال ۵۷۱ از دست خاندان مسلمان حکام عرب بدر آورد، و آخرین بازماندگان غزنویان را که در لاهور بودند در سال

۱ - رک: طبقات سلاطین اسلام. لین بول. ترجمه آقای اقبال ص ۲۵۴-۲۵۵، دائرة المعارف اسلام: Inde.

۵۸۲ مطیع خویش کرد^۱ و آنگاه که بمراجعت تصمیم گرفت، قطب‌الدین آییگ یکی از غلامان خود را مأمور ادامه فتوحات کرد و این قطب‌الدین نخستین سلطان (اسلامی) دهلی است. دیگر از سرداران معزالدین، بنام محمد بن بختیار، حکومت پادشاه غوری را بر قسمت اعظم بنگاله تثبیت کرد. بهنگام مرگ معزالدین در ۶۰۲، فرماندهان ترك وی قسمت اعظم هندوستان واقع در شمال جبال ویندیا Vindhya را در قلمرو او آورده بودند و بعضی از ایشان خود بزودی حکومتی مستقل تشکیل دادند، و معینا سلاطین دهلی بر دیگر حکمرانان تفوق داشتند. از تاریخ فوت معزالدین، ۶۰۲ تا ۹۳۰ هـ، سی و چهار پادشاه از پنج سلسله در دهلی و نواحی اطراف آن سلطنت کرده‌اند:

- ۱- سلسله سلاطین مملوک (۶۰۲-۶۸۹ هـ)،
- ۲- سلسله سلاطین خلجی (۶۸۹-۷۲۰ هـ)،
- ۳- سلسله تغلقیه (۷۲۰-۸۱۵ هـ)،
- ۴- سلسله سادات (۸۱۷-۸۵۵ هـ)،
- ۵- سلسله لودیان (۸۵۵-۹۳۰ هـ) سلسله اخیر با هجوم بابر تیموری منقرض شد^۲.

از همان نخستین سالهای فتوحات غزنویان، روابط صوری و معنوی بین دولت ایران و هندوستان ایجاد شد و بمرور روز بروز نهاد. در زمان سلطنت سلطان محمود و پسروی سلطان مسعود، بسیاری از هندوان مانند تلك^۳ (که نام او بکرات در تاریخ بیهقی آمده) و نات^۴ و دیگران در دربار غزنین خدماتی انجام دادند، يك لشکر هندی بفرماندهی سوندرارائو^۵ در زمان محمود در غزنین مستقر بود. آخرین پادشاهان غزنوی، غزنین را ترك گفتند و در پنجاب اقامت

۱- رك : طبقات سلاطین اسلام ص ۲۶۳ .

۲- رك : دائرة المعارف اسلام : Inde ، طبقات سلاطین اسلام ص ۲۶۵ .

۳- Tilak. ۴- Nath. ۵- Svendra Rão

گزیدند و تا پایان سلطنت غزنویان در آنجا ماندند. بدین وجه در یک زمان، هم در غزنه و هم در لاهور، ایرانیان و هندوان بایکدیگر ارتباط یافتند. گروهی از بزرگان و نجیبای منتسب بدربار مسعود که در نتیجه هجوم سلاجقه وطن خویش را ترك گفتند ناگزیر شدند در لاهور اقامت کنند.

تماس دائم بین ایرانیان و هندوان در زبان تخاطب دو ملت مؤثر گردید و همین اختلاط، مبنای اساسی زبان اردو شد. اردو کلمه ایست ترکی بمعنی لشکرگاه و سپاه، و چون در عساکر سلطان غزنوی ایرانیان و ترکان و هندوان باهم بودند، زبان آنان که ترکیبی از زبان این سه قوم بود بنام زبان « اهل اردو » یا بنحو اختصار زبان « اردو » خوانده شد.^۱

در آن زمان سلاطین مسلمان هند بزبان فارسی - که زبان درباری بود - سخن میگفتند، ولی زبان رایج میان مردم همان زبان هندی بود که از پراکریت و از سانسکریت نشأت یافته بود. زبان فارسی با این زبان رایج میان مردم هند در آمیخت و از این اختلاط زبان اردو پدید آمد. نه تنها بسیاری از لغات فارسی در زبان اردو وارد گردیده بلکه شعر اردو، نثر اردو، سبک نگارش، مصطلحات و کنایات، صرف و نحو و خصائص زبان فارسی نیز در اردو مشاهده میشود.

از سوی دیگر بزرگانی در نظم و نثر فارسی - زبان ادبی عصر - در هندوستان تشأت یافتند که از آن جمله مسعود سعد سلمان، ابوالفرج رونی، امیر خسرو دهلوی و بدر چاچی را باید نام برد.

امیر خسرو دهلوی

ابوالحسن امیر خسرو فرزند امیر سیف الدین محمود شمسی است. سیف الدین از قبیله لاکین بود که در حمله چنگیز ببلاد

ترجمه احوال

ماوراءالنهر، از هزاره^۱ - نزدیک بلخ^۱ - به هندوستان سفر کرد و در پتیمالی (که قصبه کوچکی است در آگره از شهرهای هند) اقامت گزید و با دختر عماد الملوك - از نجبای عمده دربار دهلی - ازدواج کرد.

سیف الدین سه پسر داشت: عزالدین علی شاه، حسام الدین و امیر خسرو. خسرو در حدود سال ۶۵۱ هـ. در پتیمالی متولد شد. در هفت یا نه سالگی وی پدرش وفات کرد و او تحت مراقبت جد مادری خود قرار گرفت. خسرو بسیار باهوش بود و بتحصیل علوم و فنون عصر مشغول گردید و مخصوصاً بمطالعه دواوین فارسی اقبال داشت و در این زبان مهارت تام یافت و از ایام جوانی بسرودن اشعار پرداخت.

محل اقامت امیر خسرو شهر دهلی بود و بهمین مناسبت بدهلوی شهرت یافته است. وی نزد پادشاهان دهلی منزلت و مکانت تمام داشت و از مراحم و عطایای هفت پادشاه متوالی برخوردار گردید:

۱- محمد سلطان بن سلطان غیاث الدین بلبان (۶۶۴-۸۶ هـ).

۲- سلطان معز الدین کیقباد (۶۸۶-۸۹ هـ).

۳- جلال الدین فیروز شاه دوم بن جلال الدین (۶۸۹-۸۹۵ هـ).

۴- محمد شاه اول، علاء الدین (۶۹۵-۷۱۵ هـ).

۵- مبارک شاه اول، قطب الدین (۷۱۶-۷۲۰ هـ).

۶- تغلق شاه اول، غیاث الدین (۷۲۰-۷۲۵ هـ).

۷- محمد دوم بن تغلق (۷۲۵-۵۲ هـ).

خسرو در تصوف پیرو نظام الدین اولیاء (متوفی بسال ۷۲۵ هـ) بود و اولیاء از بزرگان مشایخ هند و خویشاوند و مرید شیخ الاسلام فرید شکر گنج بود، و سلسله طریقت شیخ فرید الدین بشیخ الاسلام مودود بن یوسف چشتی میرسد^۲. خسرو به پیر طریقت خویش احترام بسیار میگذاشت و نسبت بوی فداکار بود. گویند آنگاه که در موکب غیاث الدین تغلق شاه در سفر جنگی بسوی بنگاله رهسپار بود، خبر مرگ استادرا

۱- و بقولی شهر کش (ترکستان).

۲- تذکره دولتشاه سمرقندی ص ۲۳۹.

شنید، بشتاب بدهلوی بازگشت و از خدمات دولتی برکنار رفت، و همه ثروت خویش را بنیازمندان بخشید، و در جوار مقبره اولیاء مجاور شد و شش ماه بعد - یعنی بسال ۷۲۵ هـ - در دهلوی درگذشت.

امیر خسرو در موسیقی نیز استاد بود و در فن انشاء هم دست داشت و کتابی درین باب بجای گذاشته است .

این شاعر آثار بسیار دارد . دولت‌شاه سمرقندی معتقد است که قریب يك كرور بیت بنظم در آورده و گوید : « سلطان سعید میرزا بایسنقرخان سعی و جهد بسیار نمود در جمع آوردن سخنان امیر خسرو و همانا یکصد و بیست هزار بیت جمع نموده و بعد از آن دو هزار بیت از غزلیات خسرو جایی یافته که در دیوان او نبوده ، دانسته است که جمع نمودن این اشعار امری متعذر الحوصل و آرزوئی متعسر الوصول است ، ترك آن نموده است و امیر خسرو در یکی از رسایل خود بیان فرموده که اشعار من از پانصد هزار بیت کمتر است و از چهارصد هزار بیت بیشتر .^۱

الف - دیوان - دیوان امیر خسرو شامل پنج بخش ذیل است :

۱- تحفة الصغر، شامل اشعار جوانی شاعر، مرکب از قصاید و غزلیات و ترجیع بند، و در آن سلطان غیاث الدین بلبلان ، و پسرش شیخ نظام الدین اولیاء مراد خود را ستوده است .

۲- وسط الحیاء ، که ظاهراً اشعار آنرا بین بیست و سی سالگی سروده ، شامل قصایدی در مدح شیخ نظام الدین اولیاء و نصره الدین سلطان محمد پسر بزرگ بلبلان (مقتول در ۶۸۳) که حامی شاعر بود و نیز سلطان معز الدین کیقباد .

۳ - غرة الکمال ، که اشعار آنرا میان سی و چهل سالگی گفته ، و در مقدمه از محسنات و رجحان شعر پارسی بر شعر تازی سخن رانده و از گویندگان بزرگ ایران مانند سنائی و خاقانی و سعدی و نظامی نام برده و شیخ نظام الدین اولیاء و سلطان

معزالدین کیقباد و جلال‌فیر و زشاه (۶۸۹-۶۹۵) و جان‌شینان وی رکن‌الدین و علاء‌الدین و دیگران را مدح کرده است. این بخش بزرگتر از اقسام سابق و شامل قصاید و ترجیع بند و قطعات است.

۴- بقیه نقیه، که شامل اشعار دوره پیری شاعر است و قسمتی از آن در مدح علاء‌الدین محمدشاه و پسر وی و امرای دیگر است.

۵- نه‌ایه‌الکمال، که محتوی آخرین اشعار امیر خسرو است و قصایدی در مدح سلطان غیاث‌الدین تغلق و مرثیه سلطان قطب‌الدین مبارک‌شاه دارد.

ب - خمه - امیر خسرو بتقلید خمه نظامی، خمه‌ای پرداخته است شامل منظومه‌های ذیل:

۱- مطلع الانوار، برابر مخزن الاسرار نظامی، که بیشتر شامل اشعار دینی و اخلاقی است و در سال ۶۹۸ پایان یافته و بنام علاء‌الدین محمدشاه مصدر است.

۲- شیرین و خسرو، مقابل خسرو و شیرین نظامی که نیز بسال ۶۹۸ بنام علاء‌الدین مذکور سروده و در پایان این منظومه، بندی خطاب به پسرش مسعود دارد.

۳- مجنون و لیلی، برابر لیلی و مجنون نظامی که هم در سال مذکور بنام همان پادشاه بنظم در آورده است. از جمله اشعار این منظومه ابیات مؤثری است که شاعر بیاد مرگ مادر و برادر خود گفته است.

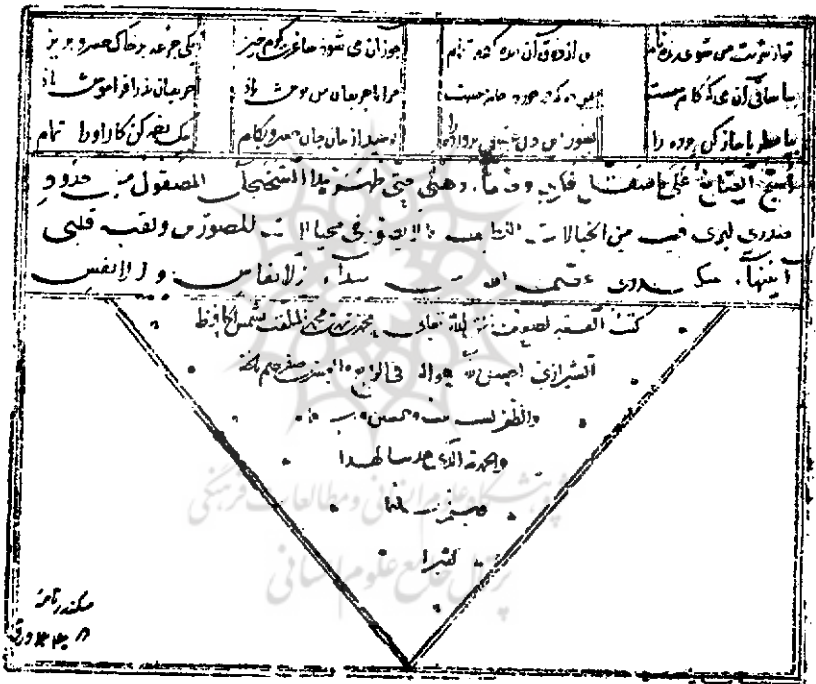
۴- آیینة سکندری، مقابل اسکندرنامه نظامی، که در ۶۹۹ بنام علاء‌الدین مذکور سروده است.

۵- هشت بهشت، که شامل داستان بهرام و بمقابله هفت پیکر نظامی است و در ۷۰۱ بنظم در آمده است، و شاعر در پایان این منظومه گفته که همه خمه را در سه سال سروده و قاضی شهاب‌الدین از فضایی عصر تمام آن را مطالعه و تصحیح کرده است.

نسخه خطی خمه - در شعبه کتابهای خطی شرقی کتابخانه دولتی شهر تاشکند

(اوزبکستان) نسخه‌ای خطی از خمسه امیر خسرو دهلوی موجود است که بسیار نفیس می‌باشد و سه منظومه از این خمسه یعنی هشت بهشت، خسرو و شیرین و اسکندرنامه بخط شمس‌الدین محمد حافظ است .

در ذیل منظومه اسکندرنامه صحیفه ۸۳ نام کاتب و تاریخ کتابت چنین آمده :
 کتبه الفقیر محمد بن محمد الملقب بشمس الحافظ احسن الله احواله فی الثالث عشر جمادی الاول سنة ست و خمسين وسبع مائه والحمد لله حمداً کثیراً وسلم تسليماً .



سکندرنامه (آئینه سکندری) امیر خسرو بخط محمد حافظ .

در ذیل منظومه شیرین و خسرو چنین نوشته شده : کتبه الفقیر اضعف خلق الله تعالی محمد بن محمد الملقب بشمس الحافظ الشیرازی احسن الله احواله فی الرابع و عشرين ۲ صفر ۳ ختم بالخیر والظفر سنة ست و خمسين وسبع مائه والحمد لله الذی

هدانا لهذا وسلم تسليماً كثيراً .

در پایان منظومه هشت بهشت نوشته شده : کتبه الفقیر اضعف خلق الله محمد بن محمد بن محمد الملقب بشمس الحافظ الشیرازی احسن الله احواله فی يوم الاثنين سادس عشر شهر^۱ ربيع الآخر سنة ست و خمسين و سبعمائة الهجرية، والحمد لله اولاً و آخراً، والصلوة علی محمد باطناً و ظاهراً وسلم تسليماً .

استاد آ. آ. سمیونوف خاورشناس شوروی در مقاله‌ای که در روزنامه دوست ایران^۲ نوشته این سه منظومه را بخط خواجه حافظ شاعر مشهور دانسته است و بعضی فضایل ما نیز از عقیده او پیروی کرده‌اند، ولی با آنکه کاتب معاصر خواجه حافظ و اسم خود او و محل اقامتش باحافظ تطبیق می‌کند، بدلائل ذیل بعید است که این منظومه‌ها بخط حافظ شاعر باشد :

اول - با توجه بقول نویسنده مقدمه دیوان حافظ - که بیهوده بنام محمد گلندام شهرت یافته^۳ - حافظ با وجود تقاضاهای معاصران خویش، حتی بجمع آوری دیوان خود اقدام نکرده است . گفتار نویسنده مقدمه مزبور این است : «مسود این ورق ... در درس گاه دین پناه مولانا ... قوام الملة والدين عبدالله ... بکرات ومرات که بمذاکره رفتی در اثناء محاوره گفتم^۴ که این فرایند فواید را^۵ همه در يك عقد می باید کشید و این غرر درر را در يك سلك می باید پیوست، تا قلاده جید وجود اهل زمان و تمیمة وشاح عروسان دوران گردد و آن جناب^۶ حوالت رفع ترفیع این بنا بر ناراستی روزگار کردی و بغدر اهل عصر عذر آوردی، تا در تاریخ سنه اثنی و تسعین و سبعمائه و دیمت حیات بموکلان قضا و قدر سپرد ...»^۷

۱ - صحیح : من شهر . ۲ - شماره ۶۶ مورخ شنبه ۱۹ آذر ۱۳۲۲ شمسی .

۳ - رك : دیوان مصحح قزوینی . تهران ۱۳۲۰ شمسی من قو - قز - حاشیه . ۴ - بحافظ .

۵ - اشعار حافظ . ۶ - دیوان حافظ . ۷ - دیوان مصحح قزوینی من قز - قط .